

در باره زندگی رفیق شهید فاطمه حسینی



در ۸ تیر ماه سال ۱۳۵۵ با یورش نیروهای سرکوب گر شاه به یکی از پایگاه های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، طبقه کارگر ایران تعدادی از رهبران و رزمندگان پیشرو خود را از دست داد. یکی از این رزمندگان، چریک فدائی خلق رفیق فاطمه حسینی بود. شیر زنی که در آخرین نبرد قهرمانانه اش تا آخرین گلوله برای رسیدن به آزادی و سوسیالیسم جنگید و برگی درخشان به دفتر مبارزات کمونیست ها جهت رهائی طبقه کارگر از ظلم و ستم و استثمار افزود.

رستاخیز سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه علیه سرمایه داری وابسته حاکم بر ایران و رژیم دیکتاتوری حافظ آن، نشان داد که طبقه کارگر ایران پس از فترتی طولانی ، گام های بزرگی در جهت تشکیل سازمان رزمنده خود به پیش برداشته است. در آن سال ها سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مثابه سازمان سیاسی - نظامی طبقه کارگر با مبادرت به مبارزه مسلحانه فضای سیاسی جامعه را دگرگون نمود و از جمله شرایط را برای رشد و گسترش مبارزات کارگری تسهیل نمود.

با اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق اکثر کسانی که قلب شان برای آرمان ها و مطالبات طبقه کارگر و همه ستمدیدگان جامعه می تپید ، امکان یافتند انرژی انقلابی خود را در مسیر رهائی کارگران در سازمان رزمنده کارگران به کار گیرند. رفیق فاطمه حسینی از جمله چنین انقلابیونی بود که در تابستان سال ۱۳۵۳ در ارتباط با چریکهای فدائی خلق قرار گرفت و حدود یک سال بعد همراه با خواهر انقلابی اش رفیق افسرالسادات حسینی زندگی مخفی در پیش گرفت و به عنوان کادری حرفه ای در صفوف اول نبرد انقلابی با رژیم شاه قرار گرفت.

رفیق فاطمه که در سال ۱۳۲۶ در شهرستان دورود بخش ۴ بروجرد متولد شده بود پس از پایان تحصیلات به شغل بهیاری روی آورد. او بهیاری بود که که سال ها در بیمارستان دولتی "مادر" کار می کرد . پرستار زحمتکش و آگاهی که عشق به توده ها انگیزه فعالیت خستگی ناپذیرش در محیط کار بود و همین عشق مسیر بعدی

زندگی وی را تعیین نمود و او را تبدیل به زنی کرد که رفیق پری آیتی در باره شان سروده است: "زنی که در چشمانش، انعکاس گل‌رنگ گلوله‌های آزادی موج می‌زند" و "دستانش را کار، برای سلاح پروده است" و رفیق فاطمه به حق در آخرین نبردش نشان داد که با چه دلاوری و شهامتی سلاحش را علیه استثمارگران و زالو صفتانی که خون کارگران را به شیشه کرده اند ، بکار برد.

چند سال بعد درست دلاوری ها و جانفشانی ها انقلابیون مسلحی چون فاطمه حسینی بود که سبب شد پیام چریکهای فدائی خلق، پیامی که در نوشته های گران قدر دو تن از بنیانگذاران سازمان، رفقا امیر پرویز پویان و مسعود احمدزاده به منابه تئورسین های راستین طبقه کارگر ایران منعکس است، سراسر جامعه ما را در نوردیده و در قلب کارگران بنشیند. واقعیتی که ما آن را در روی آوری هزاران کارگر پیشرو به طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شرایط بعد از قیام بهمن شاهد بودیم. تا جایی که در شرایط آزاد ناشی از قیام توده ها بیش از هزار محفل و تشکل کارگری کوچک و بزرگ رسماً حمایت خود را از این سازمان اعلام کردند. هر چند این کارگران نمی دانستند که سازمان مذکور تغییر ماهیت داده و دیگر همان سازمان چریکهای فدائی خلق پیشرو طبقه کارگر نمی باشد ولی این پشتیبانی عظیم تاریخی خود بیان گر آن بود که تنها راه درست جلب حمایت معنوی و سپس مادی طبقه کارگر در شرایط سلطه بورژوازی وابسته و دیکتاتوری ذاتی آن که امروز نیز بر جامعه ایران حاکم است همان راهی است که چریکهای فدائی خلق نشان دادند، یعنی راه مبارزه مسلحانه. انقلابیونی چون رفیق فاطمه حسینی نیز با ایمان به درستی همین راه به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوسته بودند. این همان راهی است که امروز نیز کارگران مبارز و پیشروان انقلابی این طبقه در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم دار و شکنجه و حامی بی چون و چرای سرمایه داران زالو صفت داخلی و خارجی در مقابل خود دارند.

یاد رفیق شهید فاطمه حسینی گرامی و راهش پر رهرو باد !